

مناسبتها

○ شهید مطهری به روایت اسناد

○ طیب، آزادمردی از تبار ۱۵ خرداد

شهید مطهری

به

روایت اسناد

علی کُردی

متن حاضر که حاصل گشت و گذاری در اسناد به جای مانده از ساواک می باشد، به مناسبت ۱۲ اردیبهشت سالروز شهادت استاد شهید مرتضی مطهری تهیه شده است. از آنجا که اسناد مورد نظر که در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی نگهداری می شود تاکنون به چاپ نرسیده، در پاورقیها فقط به ذکر شماره و تاریخ گزارشها بسنده شده و تصویر چند گزارش از آنها به عنوان نمونه ضمیمه گردیده است.

تاکنون کتب و مقالات متعددی پیرامون شخصیت برجسته استاد شهید مرتضی مطهری به نگارش درآمده است که هرکدام امتیاز و ویژگی خاص خود را دارد. در این مقاله، برای پرهیز از تکرار آنچه گفته و نوشته شده، بر آن شدیم تا از زاویه اسناد و مدارک بجای مانده از ساواک رژیم شاه، نگاهی دیگر به شخصیت و سوابق فکری و مبارزاتی آن حکیم فرزانه بیندازیم و به بیانی روشتر، دیدگاه رژیم گذشته و دستگاه اطلاعاتی آن را پیرامون شخصیت این متفکر بزرگ اسلامی مطالعه نماییم.

مرتضی مطهری، سال ۱۲۹۹ هـ. ش در یک خانواده روحانی بدینیا آمد. پدر وی «شیخ محمد حسین مطهری» که تحصیلات خود را در نجف گذرانده بود، از روحانیون معظم فریمان بود و امامت مسجد فریمان را برعهده داشت. بعدها مرتضی به منظور کسب و فراگیری علوم دینی راهی حوزه علمیه مشهد شد. پس از دو سال تحصیل در مشهد، رهسپار قم گردید و مدت ۱۵ سال^۱ به

۱. در این مدت، ۱۴ سال در حجره و یک سال در منزل اقامت داشتند.

فراگیری علوم دینی در شهر قیام و اجتهاد پرداخت. در قم از محضر اساتید و علمای ممتاز بهره جست و فلسفه را نزد حضرت امام خمینی (ره) و علامه شهیر «محمدحسین طباطبایی» (ره) فرا گرفت. وی برای ادامه فعالیت علمی بیشتر و نیز به دلیل مشکلات مادی، به تهران آمد و در مدرسه «مروی» مقیم شد. با معرفی آقای «راشد»^۱ در دانشکده معقول و منقول به تدریس پرداخت و گاه به جای آقای راشد در رادیو سخنرانی می کرد. اولین بار که از استاد مطهری در اسناد ساواک نام برده می شود، مربوط به سال ۱۳۳۷ است. ابتدا ساواک از او به عنوان یک روحانی منزوی و درس خوانده یاد می کند که به لحاظ سیاسی، گاه از مصدق دفاع می کند و او را فردی وطن پرست می خواند. «مسجد هدایت» که امامت آن را مرحوم آیت ا... طالقانی، برعهده داشت، کانونی بود که استاد مطهری در جمع جامعه مهندسين اسلامی، جامعه معلمین اسلامی و دانشجویان مسلمان، حضور جدی خود را در فعالیت علمی و مبارزاتی و فکری وسعت بخشید. وی با شرکت در جلسات مذهبی ماهیانه جبهه ملی، به تشریح عقاید اسلامی در زمینه های مختلف پرداخت تا از این رهگذر توجه مجامع علمی را به طور جدی به اسلام معطوف دارد^۲.

پس از قیام شکوهمند ۱۵ خرداد که به حق، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت ایران بود استاد مطهری در تاریخ ۱۵/۳/۴۲ پس از آزادی، لحظه ای از فعالیت سیاسی دست برنداشت و در مساجد و مجامع مختلف اقدام به سخنرانی کرد به طوری که در گزارشهای ساواک، از وی به عنوان یک «واعظ بدگو» و «مخالف دولت» یاد می شود^۳. در یکی از گزارشات ساواک که اشاره به سفر شهید مطهری به مکه معظمه در سال ۴۵ دارد، چنین آمده است: «شیخ مطهری در نظر دارد هنگام مراجعت با [امام] خمینی ملاقات نماید»^۴.

استاد مطهری به دلیل ضرورتی که در جذب و روشننگری نسل جوان کشور می دید، برآن شد تا به غیر از مسجد، محفل مذهبی دیگری به سبک نو و مطابق با

۱. گزارش شماره ۲۶۸۶۸/۲۰-۱۲ تاریخ ۲۹/۳/۵۴.

۲. پرونده ج ۲، کد ۱۸۰/۴، ص ۱۰۵.

۳. پرونده ۹۲۱۸، ص ۲۶۵.

۴. نامه ریاست ساواک تهران به ریاست ساواک شمیرانات، همان، ص ۲۵۳.

نیازها و آرمانهای نسل جدید ایجاد کند؛ لذا در سال ۱۳۴۶ به همراه آقایان ناصر میناچی مقدم و محمد همایون حسینی ارشاد تأسیس نمودند. تأسیس این مرکز، اقدام مثبتی در شناساندن ایدئولوژی اسلامی و معرفی چهره استبداد حاکم بر جامعه بود. استاد مطهری به همراه دیگر اندیشمندان و روحانیون انقلابی سخنرانیهای روشنگرانه‌ای در این حسینیه ایراد کرد که در پیوند نسل جوان با تفکر اسلامی نقش مهمی داشت. در ارائه هر آنچه که به معرفی چهره واقعی اسلام مربوط می‌شد کوتاهی نکرد و به موازات حمله به سیاستهای توسعه طلبانه غرب و امریکا، از تحریف در اسلام سخن راند. آنگاه که احساس کرد دست استعمار قصد جدایی دین از هویت ملت ایران را دارد و احیای ناسیونالیسم ایرانی را سرلوحه کار فرهنگی خویش قرار داده است، با ظرافت تمام از پیوند دو جانبه و خدمات متقابل اسلام و ایران سخن گفت.

او با شور فراوان از آزادیهای فردی و اجتماعی دفاع کرد و احیای تفکر اسلامی را در مقابل تز استعماری ناسیونالیسم مطرح نمود. در سال ۴۹ واقعه‌ای اتفاق افتاد که ذهن ساواک را به شدت مشغول ساخت. طی تماسی که با نمایندگان گروههای فلسطینی برقرار شده بود، مقرر شد که استاد مطهری اقدام به جمع‌آوری کمک برای مردم مظلوم و آواره فلسطین نماید و وجوه جمع‌آوری شده، از طریق سفارت عربستان در تهران، در اختیار نمایندگان فلسطینیها در مکه قرار گیرد. در پی این تصمیم، سه شماره حساب در سه بانک مختلف از سوی مرتضی مطهری، علامه طباطبایی و سید ابوالفضل موسوی زنجانی افتتاح گردید و از مردم دعوت شد تا وجوه خود را به این حسابها واریز نمایند^۱.

اداره کل سوم ساواک دستور داد از سه روحانی یاد شده بازجویی به عمل آید. خبر جمع‌آوری کمک، در محافل اسلامی داخل و حتی خارج از کشور انعکاس گسترده‌ای یافت. براساس گزارش ساواک، سفارت سوریه در تهران این خیر را به کشور مطبوع خویش اطلاع داد^۲. سرانجام ساواک دستور داد تا مبلغ جمع‌آوری شده، از طریق جمعیت شیر و خورشید سرخ در اختیار آوارگان فلسطین قرار گیرد. استاد مطهری از تحویل پول به جمعیت شیر و خورشید امتناع ورزید و اظهار داشت: «چنانچه [این پول] جایی غیر از محل موردنظر مردم خرج شود متهم به خیانت در امانت خواهد

۱. متن اعلامیه درج ۱- کد ۱۸۰/۳، ص ۱۵۳ و ۱۵۵ موجود است.
 ۲. گزارش ۸۲۶/۱۰۷۰۰ تاریخ ۴۹/۵/۱۳.

شد^۱. ساواک که با جسارت استاد مواجه شده بود، با تهدید شدید از وی خواست تا از ارسال پول به خارج از کشور خودداری نماید و در غیر این صورت، به اتهام خیانت به مملکت تحت پیگرد قرار خواهد گرفت. استاد به ناچار این مطلب را پذیرفت. اما منابع خبری ساواک، این توافق ضمنی را فریب دانسته و دستگاه را از نیت واقعی وی مطلع ساختند؛ لذا دستور مراقبت شدید از ایشان مستقیماً از طرف شخص رئیس ساواک، صادر شد.^۲

سرانجام استاد مطهری زیر بار ساواک نرفت و تصمیم گرفت مبلغ جمع آوری شده را که به چهل و پنج هزار تومان می رسید، در ظاهر تحویل آقای شریعتمداری داده و رسید دریافت کند^۳ ولی در اصل پول را به او نداد و از طرق مطمئن به مصرف لازم رسانید. در این قضیه توجه ویژه رهبران دینی و مردم قهرمان ایران به مسئله فلسطین، حکایت از روح آزاد و عالی ملت مسلمان ایران داشت و حساسیت رژیم پهلوی، گواه سرسپردگی آن به اسرائیل و قدرتهای جهانی بود که تمامی تلاشش را در جهت جلوگیری از ارسال این مبلغ به مردم مظلوم فلسطین بکار بست.

در سال ۱۳۵۰ موضوع جدایی استاد مطهری از حسینیه ارشاد پیش آمد که اسناد موجود در این زمینه نیز حاوی نکات و اطلاعاتی هستند. اولین گزارش حاکی از آن است که استاد مطهری از حسینیه درخواست اختیار تام می کند که هیئت مدیره با آن موافقت نمی کند، بنابراین استاد مطهری روابط خود را با حسینیه قطع می کند.^۴ در جای دیگری ساواک علت ترك حسینیه از سوی استاد را چنین می نویسد: «از موقعی که دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد سخنرانی می کند این موضوع باعث ناراحتی مطهری شده و در آنجا منبر نمی رود. اخیراً شخصی به نام مهدیان آهن فروش از شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی خواست که سعی نماید تا مطهری را مجدداً به حسینیه دعوت نماید^۵. مطهری، از سخنرانان، بویژه دکتر شریعتی خواست برخی مصالح را رعایت کنند. دکتر شریعتی که هم اکنون اقبال به او روی آورده بود و روز به روز بر شمار

۱. گزارش از ۳۱۶ مورخ ۲۸/۹/۴۹.

۲. ن. ک. به اسناد پیوستی.

۳. پرونده کلاسه ۹۲۱۸، کد ۱/۱۸۰، ص ۱۷۷.

۴. همان، شماره ۱۵۲/هـ. ش تاریخ ۷/۲/۵۰، ص ۱۸۴.

۵. گزارش ۲۰/۱۰۶۳۱ هـ ۱۲ تاریخ ۵/۵/۵۰.

مستمعین و طرفدارانش افزوده می‌شد، به نصایح استاد مطهری توجهی نکرد و به رویه خود ادامه داد. از سوی دیگر هیئت مدیره که تاکنون چنین جمعیتی را در سالن ندیده بود، دلیلی نیافت که به مطهری اختیار تام دهد و اساساً به حرف ایشان توجه کند؛ لذا استاد مطهری چاره‌ای جز کناره‌گیری نداشت و با عدم حضور خود، حداقل این ذهنیت را در جامعه بوجود آورد که دیگر نقشی در حسینیه ارشاد ندارد. نکته جالب اینجاست که ساواک و دستگاه، به زعم خود، برداشت و درک ویژه‌ای از این قضیه داشتند. ساواک از این جدایی راضی بود، زیرا معتقد بود دست روحانیون از این کانون فرهنگی قطع شده است. وجود امثال مطهری، سلامت حسینیه را تأمین می‌کرد. بنابراین ساواک اظهار می‌دارد:

«همانطور که قبلاً باستحضار رسیده است شیخ مرتضی مطهری مدتی است به حسینیه ارشاد نمی‌رود و تاکنون چندین جلسه با شرکت او و دکتر جواد باهنر، سید محمد حسین بهشتی و شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی و بعضاً سید ابوالفضل موسوی زنجانی با عده‌ای از گردانندگان حسینیه انجام شده لیکن طرفین برای بازگرداندن مطهری و سایر روحانیون مزبور به توافق نرسیده‌اند و با توجه به افکار آنها مصلحت هم نیست مجدداً آنان در حسینیه نفوذ بکنند»^۱.

به نظر ساواک حضور روحانیون روشنفکر و انقلابی در حسینیه ارشاد یک نفوذ بود و به موازات این مطلب در جای دیگر اظهار می‌دارد: «حالا که مدتی است دست روحانیون فوق‌الذکر از حسینیه ارشاد کوتاه شده است با توجه به افکار آنان به هیچوجه صلاح نیست مجدداً آنها به آن محل بازگردند و چنانچه لازم باشد کلیه امور تبلیغاتی حسینیه مزبور زیر نظر روحانیون انجام گردد، بهتر است از وجود روحانیون موافق [با رژیم پهلوی] که با سواد بوده و شایسته اجرای این مقصود باشند استفاده گردد»^۲.

پس از ترك حسینیه ارشاد، استاد مطهری به مسجد الجواد (ع) رفت تا به جای آقای موسوی زنجانی اقامه نماز کند و در این مکان نیز با بهره‌گیری از امکانات کافی مسجد، با هدف روشنگری نسل جوان به ارائه اسلام ناب پرداخت. اما روح انقلابی استاد متفکر، با هرگونه سلطه‌ای سازش ناپذیر بود و پس از چندی مجبور شد

۱. گزارش شماره ۲۰/۷۷۵۶۱ هـ ۱۲ تاریخ ۵۱/۹/۹.

۲. گزارش شماره ۱۶۰۰۲/هـ ۱۲ تاریخ ۵۱/۸/۲۰.

مسجد الجواد (ع) را نیز ترك كند، زیرا سازمان اوقاف قصد داشت مسجد را در اختیار کامل خود بگیرد. مرتضی مطهری با آگاهی درست از اوضاع و احوال مبارزه، بخوبی می دانست که همراهی همدلان صادق یک وظیفه الهی و انقلابی است، اما جایی که نااهلان، روح پاك و بی آرایش او را می آزرند و حضور او تأیید بر اعمال آنان بود، با ترك محیطهای ناسالم اعتراض خود را نشان می داد. وی به آنچه که وظیفه دینی می دانست، عمل می کرد و اگر امری را وظیفه دینی نمی دانست، شجاعانه رد می کرد و از هیاهو و تبلیغات سوء، هراسی نداشت.

در گزارش دیگری، ساواک تعطیل شدن مسجد را بدلیل اختلاف بین هیئت مدیره در امور عایدات و هزینه های آن ذکر کرده و می نویسد: «جریان فوق باطلاع سازمان اوقاف رسیده و از طرف اوقاف، مسجد مزبور موقتاً تعطیل شده تا بوضع آن سرو سامانی داده شود»^۱.

به هر حال، تعطیل شدن مسجد الجواد و حسینیه ارشاد، باعث بروز تظاهراتی در مقابل حسینیه ارشاد شد که طی آن هفده نفر دستگیر شدند و شهید مرتضی مطهری و محمد همایون (عضو هیئت موسس) در میان بازداشت شدگان بودند. اما پس از چند روز استاد مطهری و همایون آزاد شدند. میناچی که قضیه را پیش بینی کرده بود، در روز موعود به شمال سفر کرده بود که ساواک او را هم احضار و سپس آزاد کرد. در این زندان کوتاه مدت، استاد را بسیار اذیت کردند که حتی خود ایشان اظهار داشته بود که فکر کردم می خواهند مرا اعدام کنند؛ و در ملاقات و گفتگو با استاد شهید محمد مفتاح، از آزار و اذیت ساواک سخن می گوید و اینکه به مدت ۴۰ ساعت نوز پروژکتور را در چشمان او انداختند.^۲

استاد شهید مرتضی مطهری در طول مبارزات خویش از اصول خاصی پیروی می کرد که کاملاً ریشه در اعتقادات اسلامی داشت و مبتنی بر شیوه های ائمه اطهار (ع) بود. وی روحانی مبارزی بود که جز اسلام به چیز دیگری نمی اندیشید و در این مشی، بعد سیاسی اسلام را نیز چون دیگر ابعاد، کاملاً مورد توجه قرار داد و در طول عمر خویش کوچکترین سازش و تسامحی با زر و زور و تزویر نداشت و همیشه تلاش

۱. گزارش شماره ۱۶۴۳۸/۲۰-۱۲ تاریخ ۵۱/۹/۶.

۲. ج ۱ کد ۱۸۰/۳، ص ۳۲۰.

می نمود تا با تبیین اسلام ناب محمدی نقاب از چهره رژیم برگردد؛ لذا ساواک در یک ارزیابی کلی دستگاه از شخصیت مطهری چنین اظهار داشته است: «کسی است که مترصد فرصت است تا اقدام علیه امنیت کشور نماید»^۱.

وی به عنوان استاد برجسته فلسفه و رئیس دپارتمان فلسفه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، از چنان جایگاه علمی برخوردار بود که سخنرانیهای وی در اکثر دانشگاهها و مؤسسات علمی و تحقیقاتی راهگشای معضلات فکری و فلسفی بود. به طوری که کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم ایشان جایزه گرفت^۲؛ معذک لحظه ای مراقبت از وی متوقف نشد و از او به عنوان یک روحانی افراطی نام برده می شد.

اکثر سخنرانیهای او تحت مراقبت بود و تلفن منزل وی کنترل می شد^۳ همواره به او اخطار می دادند که مواظب اعمال و رفتار خویش باشد و سرانجام این اخطار شدید را به او دادند:

«به وی تفهیم نمایند در صورتیکه باین رویه خود ادامه دهد علاوه بر اینکه صلاحیت تدریس در دانشگاه را نخواهد داشت تصمیمات شدید درباره اش اتخاذ خواهد گردید»^۴.

ولی او در همه حال بدنبال بی اعتبار ساختن رژیم بود. حتی در سمینار دبیران دینی که در مشهد برگزار شده بود و خود جزء مدعوین مشهور بود اعتراض خویش را به عمل دبیران دینی پنهان نکرد. در طی این سمینار دبیران دینی دسته گلی را به پیکره رضاشاه تقدیم کرده بودند که استاد مطهری اظهار می دارد آیا دبیران دینی هم باید بت پرست باشند.

رژیم که می دید استاد مطهری همچنان به رویه خود ادامه می دهد و کمترین سازشی با نظام شاهنشاهی از خود نشان نمی دهد و با استفاده از تریبونهای علمی، ماهرانه به مقاصد خویش اهتمام می ورزد، سعی نمود به طریقی از مقام و فعالیت علمی او بکاهد. در یکی دیگر از اسناد ساواک چنین آمده است:

۱. پرونده ج ۲، کد ۱۸۰/۴، ص ۱۰۵.
۲. بنابر اظهارات اسناد، کتاب فوق در سال ۳۴ برنده جایزه سلطنتی و داستان استان برنده جایزه یونسکو شد.
۳. پرونده ۹۲۱۸، ص ۲۶۵.
۴. نامه ریاست ساواک تهران به ریاست ساواک شمیرانات، همان، ص ۲۵۳.
۵. پرونده ج ۱، کد ۱۸۰/۳، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

«تدریس نامبرده بالا در دانشکده الهیات و سایر دانشکده‌ها از نظر سیاسی به مصلحت نیست»^۱.

استاد مرتضی مطهری در سال ۱۳۵۴ ممنوع‌المنبر گردید^۲ و در همان سال نیز قطع همکاری ایشان با دانشکده الهیات دانشگاه تهران اعلام شد.^۳

آن طور که از اسناد ساواک در باره شهید مطهری استنباط شود، وی در میان روحانیون انقلابی و مبارز طرفدار امام خمینی جایگاه محوری و کلیدی داشته است. استاد مطهری در صف اول مبارزه و پیشاپیش روحانیون پیرو امام خمینی در حرکت بود، وی دارای چهره‌ای جامع و فراگیر بود که تمامی مبارزان و انقلابیون به استادی ایشان اذعان داشتند. مطهری با برخورداری از تقوای الهی مبارزین همراه را به خوبی می‌شناخت و به شدت از آنان حمایت می‌کرد^۴.

او با مقایسه مبارزین اسلامی با ابوذر و میثم به آنان روحیه می‌داد^۵. وی ضمن تماس و همکاری صادقانه و دوستانه با جمع روشنفکران مذهبی، برحسب ضرورت، از آگاهی دادن به توده مردم هرگز غافل نشد و در پیرایش عقاید آنان تا رسیدن به سطح فداکاری آگاهانه و عاشقانه، در راه اسلام کوشش بلیغ بخرج داد و هیچگاه از پیراستن دین اسلام در دست یابی به آینده‌ای روشن غفلت نورزید. او به خوبی می‌دانست که آینده محصول تلاش کنونی مبارزین اسلامی است و توده آگاه در تداوم نهضت اسلامی نقش ویژه‌ای خواهد داشت.

او رسالت یک روحانی تمام عیار را به خوبی می‌شناخت و بدان عمل می‌کرد. با همان شور و شوقی که از مفاسد اجتماعی سخن می‌گفت و به درد می‌آمد، به دستگاه

۱. پرونده ج ۱، کد ۱۸۰/۳، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲. همانجا، ص ۲۰۴.

۳. ن. ک.، به اسناد پوستی.

۴. در این اواخر دکتر آریان پور که تمایلات چپ داشت، علم مخالفت با استاد را برافراشته بود و استاد ایشان را به مناظره تلویزیونی دعوت کرد که آریان پور تن به این مناظره نداد. ضمناً گزارش از درگیری استاد با آریان پور در شماره ۱/۱۸۰ ص ۲۸۸ وجود دارد.

۵. سخن استاد مطهری پیرامون شخصیت رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای بسیار درخور توجه است. در گزارش ۵۹/۳۰۳/۱/۸ تاریخ ۵۳/۱/۸ چنین می‌خوانیم: «وی [مطهری] گفت: سیدعلی خامنه‌ای از نمونه‌های ارزنده‌ای است که برای آینده موجب امیدواری است». و شهید مظلوم بهشتی نیز چنین تعبیری در سال ۵۲ از شخصیت رهبر معظم انقلاب دارند: «در آینده خامنه‌ای یکی از علمای موجه ملی و با نفوذ خواهد شد». اسناد مندرج در ج ۱، ص ۳۲۷.

ظلم و جور می تاخت و از آزادی انسان دفاع می کرد و در راه مبارزه به مغلظه نیفتاد و برخلاف دیگران که کمونیسم را رقیب اسلام می دانستند، او کمونیسم و امپریالیسم را تیغه های یک قیچی خواند که با هدف قطع ریشه اسلام حرکت می کنند. او و همه همفکران و انقلابیون پیرو امام، واسطه فرهنگی بین قیام ۴۲ تا انقلاب ۵۷ بودند و آمادگی لازم را در امت مسلمانان ایران بوجود آوردند.

مطهری در مقابل جریانات موازی در جامعه با ژرف نگری خاص خود ایستادگی کرد؛ هرچند که در این راه متحمل صدمات روحی فراوان شد. در سال ۵۶ شهید مطهری به همراه مهندس بازرگان اطلاعیه ای پیرامون شخصیت دکتر علی شریعتی صادر کرد. در بخشی از آن آمده است:

«او [دکتر شریعتی] در هیچیک از مسائل اصولی اسلام از توحید گرفته تا نبوت و معاد و عدل و امامت، گرایش غیراسلامی نداشته است ولی نظر باینکه تحصیلات عالی و فرهنگ او غربی بود هنوز فرصت و مجال کافی نیافته بود در معارف اسلامی مطالعه وافی داشته باشد تا آنجا که گاهی از مسلمانات قرآن و سنت و معارف و فقه اسلامی بی خبر می ماند... اینجانبان برآن شدیم به حول و قوه الهی ضمن احترام به شخصیت او و تقدیر از زحمات و خدماتش در سوق دادن نسل جوان به اسلام بدون مجامله و پرده پوشی و بدون اعتنا به احساسات طرفداران متعصب و یا دشمنان مغرض طی نشریاتی نظر خود را درباره مطالب و مندرجات کتابهای ایشان بالصراحه اعلام داریم...»^۱

در تاریخ معاصر، استاد شهید مرتضی مطهری از نادر چهره هایی است که مبارزه ای همه جانبه در احیای تفکر اسلامی به نمایش گذاشت و با سرمشق قرار دادن امام و مراد خویش، خود سرمشق دیگران شد. مطهری آموخت که چگونه باید در مقابل هرگونه توطئه، تحریف، تهاجم، ایستادگی کرد. وی ضمن احترام به آزادی اندیشه، سیادت اندیشه های اسلامی را بسیار استدلالی و در عین حال با شور و شغف بر خاسته از نشاط روح به دیگران عرضه کرد و اساساً بنیاد محکمی بنا نهاد تا ضمن رعایت مقتضیات زمان برای شناساندن چهره درخشان اسلام فقط از اسلام مدد گرفته شود.

۱. متن اصلی اطلاعیه درج ۲۴/۴/۱۸۰، ص ۱۵۷ مرکز اسناد موجود است.

به ساواک شمیرانات

شماره: ۳-۲۰/۱۵۰۲۶

نخست وزیر

تاریخ: ۵۰/۱/۸

سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

از ساواک تهران ۳-۲۰

پیوست: —

درباره شیخ مرتضی مطهری

چون تیمسار ریاست معظم ساواک مقرر فرموده اند اعمال و رفتار نامبرده بالا دقیقا تحت مراقبت قرار گیرد، علیهذا دستور فرمائید ضمن مراقبت از منابع وی تا حدود امکان در جریان کلیه فعالیتهایش بوده و هر وقت قصد خروج از تهران را داشت مراتب را با تعیین تاریخ حرکت و مقصد مشارالیه سریمما گزارش نمایند که چگونگی به ستاد منعکس شود. ر

رئیس ساواک تهران. نواب

تهیه کننده. صبوری

پهلوان

رئیس اداره امنیت داخلی. فرزاد

خیلی محرمانه

به ریاست ساواک شمیزارات

نخست وزیر

شماره: ۱۲-۳۰/۲۶۸۶۸

تاریخ: ۵۴/۳/۲۹

از ساواک تهران ۲۰-۱۲

سازمان اطلاعات و امنیت کشور
م.ا.و.ا.ک

پیوست:

درباره شیخ مرتضی مطهری فرزند شیخ حسین

نامبرده بالا یکی از روحانیون ناراحت و افراطی است که اخیراً بواسطه اظهارات مطالب
خلاف ممنوع المنبر گردیده است.
دستور فرمائید ضمن مراقبت های لازم چنانچه یاد شده تصمیم داشت از منبر استفاده نماید از
طریق کلاتری محل از کار وی جلوگیری و مراتب را باین ساواک گزارش نمایند.
ضمناً مراتب از طریق اداره کل سوم به شهربانی کشور نیز منعکس گردیده است.
رئیس ساواک تهران - پرنیان فر

از طرف

بمنابع آموزش لازم داده شد

خیلی محرمانه

شهید مطهری به روایت اسناد

به ریاست ساواک شمیرانات

نخست وزیر

شماره: ۱۰۹۵۰ / ۱۲ هـ

تاریخ: ۵۰ / ۵ / ۳۰

سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س. ا. و. ا. ک
پیوست: -

از ساواک تهران ۲۰ هـ ۱۲

درباره شیخ مرتضی مطهری

عطف بشماره ۱۵۲ ره ش - ۵۰ / ۲ / ۷

چون احتمال دارد نامبرده بالا در خلال برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران
مبادرت به فعالیتهای مضره بنماید علیهذا دستور فرمائید کماکان از او مراقبت لازم معمول و
در صورت مشاهده هر گونه فعالیت مضر و مشکوکی از ناحیه وی و یا اطلاع از تردد مشارالیه
به سایر نقاط کشور مراتب را سریعاً گزارش نمایند. /

رئیس ساواک تهران - نواب

از طرف

خیلی محرمانه

تاریخ: ۴۹/۱۰/۲۶

شماره:

دانشگاه تهران

پیوست:

محرمانه

ترتیبات لازم داده شده است تا آقای دکتر شیخ مرتضی مطهری دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی از نیم سال تحصیلی ترم که از شانزدهم بهمن ماه ۴۹ شروع می شود بامر تحقیق بپردازند و وظیفه آموزشی در دوره لیسانس و فوق لیسانس را در نیم سال ترم تحصیلی سال جاری نخواهند داشت.

رونوشت: آقای دکتر محمدی رئیس محترم دانشکده الهیات و معارف اسلامی

بازگشتی

مربوط به یادداشت مورخ ۴۹/۹/۲۶

درباره شیخ مرتضی مطهری

به مدیریت کل اداره چهارم
 (۴۲۱)
 از اداره کل سوم ۳۱۲

نخست وزیری
 سازمان اطلاعات و امنیت کشور
 س.ا.و.ا.ک

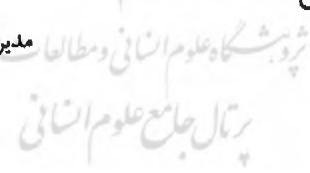
شماره:
 تاریخ:
 پیوست:

درباره شیخ مرتضی مطهری

بازگشت به ۴۹/۱۱/۳-۴۲۱/۳۲۴۰۸

با بررسی که از سوابق یاد شده بالا بعمل آمده خدمت مشارالیه در دانشگاه تهران که رئیس دپارتمان فلسفه دانشکده الهیات و معارف اسلامی است از نظر این اداره کل بمصلحت نمی باشد. خواهشمند است دستور فرمائید در این زمینه اقدامات لازم معمول و از نتیجه این اداره کل را آگاه سازند/ح

مدیر کل اداره سوم-ثابتی



مسئول بررسی-وثوقی

رئیس بخش ۳۱۲

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی-عطارپور

من سمع رجلاً ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم . حده نبوي ،

برای فلسطین

- حسابجاری شماره ۴۵۶۰۰ بانک بازرگانی شعبه مرکزی
- » » ۷۷۳۸۸ بانک ملی ایران شعبه مرکزی
- » » ۹۵۹۵ بانک صادرات شعبه بازار

توسط آقایان علامه طباطبائی ، سیدنا ابو الفضل موسوی مجتهد زنجانی
و مرتضی مطهری افتتاح گردیده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



به ساواک شیراز نامه
 شماره ۳۵۲/۱۵۰۲۶
 تاریخ ۵۰/۱/۸
 پیوست
 تخت فیزیکی
 سازمان اطلاعات امنیت کشور
 از ساواک تهران ۳۵۲

در بده شیخ مرتضی مطهری

چون تیمسار ریاست معظم ساواک مقرر فرموده اند اعمال و رفتار نامبرد مهلا
 در محقق تحت مراقبت قرار گیرد و لطیفه‌ها دستور فرمائید ضمن مراقبت از مناظر
 وی تا حدود امکان در جریان کلیه فعالیت‌هایش بوده و هر وقت قصد خروج
 از تهران را داشت مراتب را با تمسین تاریخ حرکت و مقصد مشارالیه سرهما
 گزارش نمایند که چگونگی به ستاد ضحکین شود.

رئیس ساواک تهران
 تهیه کننده . کمبری
 رئیس اداره امنیت داخلی . گونزاد
 سردار
 سردار

استیضایی است. حذر و احتیاط

سازمان اطلاعات



بدیاست ساواک شماره ۱۰۰۰۰۰۰۰

شماره ۱۳۵۴/۳۶۸۶۸
تاریخ ۲۹/۴/۵۴
پوست

مخت فیزی
سازمان اطلاعات بدیاست
انساوالک تهران ۱۳۵۴-۲-۲۰

در باده شیخ مرتضی مطهری فرزند شیخ حسین

نامبرده بالا یکی از روحانیون ناراحت و افراطی است که
اخیراً بواسطه اظهارات مطالب خلاف ممنوع المنه
گردید است.

تستور فرمائید ضمن مراقبت‌های لازم چنانچه یاد شد تصمیم
داشت از منبر استفاده نماید از کاروی جلوگیری و مراتب را به این

سواک گزارش نمایند. *از این گزارش کلی*
حق ترتیب از طریق اداره کورس: تهران شهرزاد سنبل ۱۳۵۴

رئیس ساواک تهران
از اول

[Handwritten signature]
۶۷

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع کارشناسان ارشد علوم انسانی

مهر ماه

کار فرموده
۵۴/۱۵

۵۲-۱۱۵

شهید مطهری به روایت اسناد

اخیلی منتر مانه

شماره ۱۰۹۵ / ۱۳۲۵

تاریخ ۳۰ / ۵ / ۵۰

پوست



به ریاست ساواک تهرانات

مخت فیزی

از ساواک تهران ۱۳۲۰ / زمان اطلاعات است گمشده

در باره شیخ مرتضی مطهری

عطف بپاره ۱۵۲ / ۷ / ۲ / ۵۰

چون افعال دارد نامردن بالاد در خلال برگزاری جشنهای ۲۵ ساله شایستهی ایران مبادرت به فعالیتهای مفره نماید علمیدا دستور فرمائید کماکان از او مراقبت لازم معمول و در صورت شایده هرگونه فعالیت مفره بشکلی از ناحیه وی و یا اطلاع از تردد سایرین به سایر فعال کشور مراتب را سریعاً گزارش نمایند

گناه علوم انسانی و مطالعات فزنی

رئیس ساواک تهران - نرات

امیر آگاه

۲۸

اخیلی منتر مانه

تاریخ نگارش (۱۳۹۰)

شماره _____

پلاک _____



دانشگاه تهران

محرران

ترتیبات لازم داده شده است تا در تاریخ زنجی مطهری
در شماردهنگامه الهیات و معارف اسلامی از نیم سال تحصیلی
در ارزش از نیم سال تحصیلی ۹۰ شروع شود با احتساب برادران
و طبقه آموزشی در دوره لیسانس و فوق لیسانس از نیم سال
تحصیلی سال جاری بخردند در وقت

روز شنبه ۱۳۹۰ در کلاسهای درس محترم دانشگاه الهیات
و معارف اسلامی مهرماه

بازرسی

روز شنبه ۱۳۹۰ در کلاسهای درس محترم دانشگاه الهیات
و معارف اسلامی مهرماه



به مدیریت کل اداره چهارم شماره
 تاریخ (۴۲۱)
 از اداره کل سوم ۳۱۰۲ سازمان اطلاعات است کث. پیوست

در باره شیخ مرتضی مطهری

بازگشت به ۴۲۱/۳۲۴۰۸ - ۴۹/۱۱/۳
 با بررسی که از سوابق یاد شده بالا بعمل آمده ادامه
 خدمت شارالیه در دانشگاه تهران که رئیس دپارتمان
 فلسفه دانشگاه الهیات و معارف اسلامی است از نظر
 این اداره کل به صلاحیت نمیباشد. خواهشمند است
 دستور فرمائید در این زمینه اقدامات لازم معمول و
 از نتیجه این اداره کل آگاه سازند. ح

مدیر کل اداره سوم - ثابتی
 ۸/۲۸

مسئول بررسی - شوقی
 رئیس اداره کل - مطهری
 (Handwritten signatures and stamps)

۱۹۵۸
 ۱۱/۱
 ۱۱/۱

۵۲-۳۵۷

شهید مطهری به روایت اسناد